

گزارشی از یک مدرسه در مسجد خیابان کوشش

حلقه های درس جمکران



رضوانه رمضان پور - حوالی ساعت ۱۱ ظهر معمولاً مسجد شلوع نیست اما در مسجد جمکران در خیابان شهید موسوی، انگار صیف نماز جماعت برپاست در دهمه های اذان! خبری از سوسال دارهای موسسیده کرده نیست. صف ها را بیشتر نوجوان ها رونق داده اند. هنوز عدد سنشان آن قدر زیاد نشده است که بخوانند از پشت نیمکت های مدرسه رهایی یابند، ولی سوال اینجا است که در میانه روز زمانی که همه بچه ها مدرسه هستند، این نوجوانان مسجدی در اینجا چه می کنند؟ شاید جشن قرآن دارند ولی خبری از جشن قرآن هم نیست، پس اینجا چه خبر است و چه کار می کنند؟ سوالاتی که پاسخش دست احمد نعمتی، مسئول این قول و قرارهاست.

یک مدرسه متفاوت

نوجوانی با چوب پر سبز، دم در ایستاده است و همه را به داخل راهنمایی می کند تا قسمت های خالی صفا را پر کنند. بچه ها به ردیف نشسته اند. درون عبا های کوچک روی شانه های نحیفشان فرو رفته و قرآن کوچکی در دست گرفته اند. بچه ها هم سن و سال نیستند ولی همه پیراهن یقه دیپلمات و شلوار پلنگی بر تن دارند. روحانی ای که جلوصف ها ایستاده است، صدا می زند: «بچه های کلاس هفتم! از لایه لای جمعیت آن هایی که قد و قامت به نسبت بلندتری دارند، بلند می شوند و آیاتی را هم خوانی می کنند. صداها در هم تنیده می شود و نوای دلپذیری از آیات سوره واقعه را می سازد. بچه های کلاس هشتم و نهم، برنامه را ادامه می دهند. این برنامه هر روز است. وقت زنگ نماز است. اینجا شبیه مدرسه است اما مدرسه ای متفاوت.

زنگ اول، علوم

سه شنبه است. ساعت ۷:۳۰ صبح. همه بچه ها به دور روحانی ای که در حال صحبت است، حلقه زده اند. خبری از صف نیست. روحانی چند کلمه ای صحبت می کند و چندبیتی در عزای حضرت زهرا (س) نوحه می خواند. دست های شان را بالا می برند و دعا می کنند. روحانی آن ها را به رفتن به سر کلاس دعوت می کند. شوری در مسجد به پا می شود. هر کدام از بچه ها گوشه ای جمع می شوند و پرده هایی طلایی رنگ، میانشان کشیده می شود. هر گوشه یک تخته سفید به کمک معلم می آید. بعضی کلاس ها ۱۲ نفره اند و بعضی ۲۰ نفره. معلم در یک کلاس ریاضی، درس می دهد و در کلاس دیگری، علوم حرف اول را می زند. معلم علوم در حال توضیح درباره گرده افشانی گل ها و چگونگی ساخت عسل است. با گفتن اینکه «بچه ها! نمی دانید ما چقدر مدیون زنبور هستیم»، بچه ها می خندند. معلم لحن دل نشینی دارد و تمام حواس کلاس را برای خود خریده است.

زنگ تفریح

بچه های کلاس دیگر، خوشنویسی دارند. بچه ها روی فرش مسجد نشسته اند. بعضی میز تحریر دارند و بعضی هم ندارند. تعدادی از کلاس ها در طبقه بالای مسجد برگزار می شود. ساعت حدود ۴۵:۸ صبح است. زنگ تفریح بچه ها فرامی رسد. همه فضای مسجد را پر می کند. بچه های کلاس روبه رو همچنان مشغول سوال پرسیدن هستند. انگار متوجه زنگ نشده اند یا ترجیح می دهند که زنگ تفریح را هم با معلمشان بگذرانند. زنگ بعد فرامی رسد و بچه ها دوباره به حلقه های کلاشان باز می گردند.

در گفت و گو با روحانی مسجد جمکران که ۵ سال است مدیر این مدرسه است

مردم اینجا مسجد محور هستند

روحانی ای که صبح بچه ها را به کلاس می فرستد، احمد نعمتی، مدیر مدرسه شهید مصطفی عارفی، است که در مسجد جمکران، پولوار کوشش فعالیت می کند. آواز فعالیت خودش و تیمی که دور هم جمع شده اند، می گوید و در مورد طرح «مدرسه در مسجد» که در این مکان در حال برگزاری است، توضیح می دهد.

ما مخالف مدرسه نیستیم

مسئله ای که برای نعمتی مهم جلوه کرده است و بر آن تاکید می کند، قرار نگرفتن این طرح در مقابل مدرسه است. اومی گوید: مادر مقابل آموزش و پرورش نیستیم. طرحی که عده ای شاید آن را در مخالفت با مدرسه می دانند و فکر می کنند که سعیش را می کند تا بچه ها از نظام مدرسه دور بمانند، نعمتی بازوی دیگری برای آموزش می دانش و می گوید: «ما با تمام توان خودمان، داریم به آموزش و پرورش کمک می کنیم.»

والدین، محور هستند

تفاوت هایی با مدرسه هست. اوبه مردی که کتاب ها و قرآن ها را در کتابخانه قرار می دهد، اشاره می کند و می گوید: «محور این مدارس مسجد محور، والدین هستند. ایشان پدر دانش آموز هستند که در فعالیت های مدرسه مشارکت می کنند. انگار رسم مدرسه است که دو نفر از والدین سر کلاس های درس حضور داشته باشند و بر آموزش هایی که داده می شود، نظارت کنند و با حضور در جلساتی از اتفاقاتی که در مدرسه می افتد، باخبر شوند. می گوید: «هر کسی که کنجگاه او است طرح را بشناسد، می تواند در کلاس حضور بیابد و پیشنهاد و انتقاد مطرح کند.»

مساجد، محورند

پیامبر وقتی در مسجد دو حلقه عبادی و علمی می دیدند، در حلقه علمی می نشستند و می فرمودند: «من برای این مبعوث شدم.» نعمتی با بیان این مطلب می گوید: «اصلی ترین کارکرد مسجد، تعلیم و تعلم بوده است. از وقتی این کارکرد مسجد را از آن گرفتند، هزینه های زیادی به نظام تحمیل شد.» روز تعطیلی مدارس به خاطر سردی هوا، کلاس های آن ها برقرار است. اوبه این مسئله اشاره می کند و می گوید: «یکی از دلایل تعطیلی مدارس، صرفه جویی در هزینه سوخت است اما اینجا ما با یک بخاری کل مسجد را گرم کرده ایم. نیاز به گرمایش و روشنایی و نیروی زیاد هم نداریم.» محور تمام فعالیت های مدرسه، نماز است. اومی گوید: «ما نیامده ایم مدرسه بنیم. آمده ایم مسجد را احیا کنیم.»

جرقه دوازده ساله

جرقه این کار حدود ۱۲ سال پیش می خورد. حلقه هایی در مساجد تشکیل می شود شبیه حلقه های صالحین اما این حلقه ها خیلی نمی توانند جای خودشان را باز کنند. بچه ها ساعت حضورشان در مسجد کم است و مربی با خانواده ارتباط نمی گیرد؛ کاستی هایی که سعی کرده اند به مرور برطرف کنند. آن ها از یک قانون استفاده می کنند: قانونی که به دانش آموزان اجازه می دهد خارج از محیط مدرسه درس بخوانند و فقط در امتحانات شرکت کنند. بر اساس همین قانون، مدارس مسجد محور تشکیل می شود و حالا بچه های این مساجد در پایان سال شبیه تمام دانش آموزان دیگر در امتحانات مدارس شرکت می کنند تا مدرک پایان آموزش آن سال تحصیلی را بگیرند.

مدرسه نوپا نیست

مدرسه شهید عارفی تازه سال فعالیتش را شروع کرده است. وقتی جمعیت در دیگر مساجد زیاد می شود، به پیشنهاد هیئت امنای مسجد جمکران، بعضی کلاس ها و دانش آموزان به این مسجد منتقل می شوند. این مدرسه از اول ابتدایی تا کلاس نهم را دارد ولی مساجد دیگر تادپلم دارند. از سال دیگر برای دهم ثبت نام می کنند. نعمتی می گوید: «مدرسه نوپا نیست ولی مسجد نوپاست. من دانش آموزی دارم که حدود پنج سال است با من درس می خواند.» او سطح علمی مدرسه شان را بالا می داند و می گوید: «ما گزینش داریم. اگر دانش آموزی ضعیف باشد، با این سیستم نمی تواند درس بخواند؛ چون ما بعضی درس ها را خیلی کار نمی کنیم. علاوه بر این در فضای مسجد، تمرکز بچه ها بالا است.» بچه ها اینجا از طرف خانواده موظف هستند که شب ها زود بخوابند و صبح زود بیدار شوند؛ عواملی که نعمتی در موفقیت کلاس هایش اثرگذار می داند.

رسم مدرسه است که دو نفر از والدین ملزم هستند سر کلاس های درس حضور داشته باشند و بر آموزش هایی که داده می شود، نظارت کنند